

دوتا ۲۶۸	بررسی کتاب مقدس / ۵۰
	رومیان ۱: ۱۸-۳۲
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، کار بررسی را از رومیان ۱: ۱۸-۳۲ انجام خواهند داد.

در رومیان ۱: ۱-۱۷، پولس انجیل را معرفی کرد. انجیل وسیله قدرتمند خدای کتاب مقدس است برای نجات بشر. پیام خدا است که نشان می‌دهد چگونه او عدالت عیسی مسیح را به حساب هر کسی می‌گذارد که به او ایمان بیاورد. در رومیان ۱: ۱۸-۳۲، هدف پولس این است که این آموزه را اثبات کند که "عدالت فقط بواسطه ایمان است." به این منظور، لازم بود نخست نشان دهد که هیچ انسانی از عدالت برخوردار نیست، عدالتی که بتواند اقتضاهای الهی را بر آورده سازد. و از آنجا که هیچ انسانی شخصاً از عدالت برخوردار نیست، همه در معرض محکومیت الهی قرار دارند. در رومیان ۱: ۱۸-۳۲ پولس نشان می‌دهد که امت‌ها (غیریهودیان) ناعادل‌اند و تحت محکومیت خدا قرار دارند. در رومیان ۲: ۱ تا ۳: ۲۰ نیز نشان می‌دهد که تمام یهودیان نیز ناعادل‌اند و تحت محکومیت خدا قرار دارند. بدینسان، همه انسانها بدون استثنا ناعادل‌اند و نیاز دارند عادل کرده شوند.

(S) قدم اول. بخوانید.

رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را با هم بخوانیم. وقتی تعدادتان دو نفر یا بیشتر باشد، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به علت کمبود وقت، لطفاً رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را بعداً بخوانید.

(T) قدم دوم. کشف کنید.

برخی حقایق مهم را از رومیان ۱: ۱۸-۳۲ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) یک حقیقت مهم برای من، "عواقب خصلت بی‌خدایی است."

یک) خدا در خصلت و رفتار مقدس و عادل است. بنابراین، خدا به‌هنگام محکوم کردن افرادی که خصلتی نامقدس و رفتاری ناعادل دارند، کاملاً عادل و منصف است. لذا شخصی که محکوم به بی‌دینی یا شرارت می‌شود، منصفانه تحت غضب عادلانه خدا قرار می‌گیرد. او نمی‌تواند بر اساس خصلت یا رفتار خودش طالب محبت و لطف خدا گردد.

دو) در رومیان ۱: ۱۸-۳۲، پولس نخست ثابت می‌کند که امت‌ها کاملاً ناعادل می‌باشند. ایشان به‌واقع بی‌خدا و شرور (ناراست) هستند. لذا برای نجات یافتن، نیاز به عدالت خدا دارند. بدون آن، قطعاً هلاک خواهند شد. در آیات ۱۸-۲۳، پولس "خصلت بی‌خدایی" امت‌ها را تشریح می‌کند و در آیات ۲۴-۳۲، "رفتار شرورانه" ایشان را.

سه) خدا خصلت الهی و رفتار قدرتمند خود را بسیار روشن از طریق کارهایش در خلقت آشکار ساخته است. امت‌ها همیشه قادر بوده‌اند به‌اندازه کافی، از خصلت و رفتار خدا آگاهی کسب کنند. ایشان همیشه قادر بوده‌اند بدانند که وجودی الهی هست که بسیار قدرتمند نیز می‌باشد. بنابراین، هیچ عذری برای خصلت بی‌خدایی و رفتار شرورانه امت‌ها پذیرفته نیست.

چهار) امت‌ها گرچه فرصت شناخت خدا را داشته‌اند، اما خدا را نمی‌پرستند و او را خدمت نمی‌کنند. به‌جای آن، نه فقط "حقیقت را سرکوب می‌کنند (راستی را در ناراستی باز می‌دارند) (آیه ۱۸)، بلکه "حقیقت در مورد خدای زنده" را با دروغهای خود معاوضه می‌کنند (آیه ۲۵). در نتیجه، خود را تسلیم هر نوع بت‌پرستی می‌سازند. امت‌های تحصیل‌نکرده بت‌های سنگی می‌سازند. ایشان جلال خدای غیرفانی را با تصاویر انسان یا حیوانات فانی معاوضه می‌کنند. اما امت‌های تحصیل‌کرده تصوراتی از خود برای خدا ابداع می‌کنند؛ همچنین دین خاص خود را و کتاب دینی خود را ابداع می‌کنند. ایشان خدایی شبیه خودشان خلق می‌کنند، زیرا اینچنین، می‌توانند خدای خود را بپرستند بی‌آنکه نیاز باشد خصلت بی‌خدایی و رفتار شرورانه خود را تغییر دهند. اما اگر کسی مشتاق باشد که خدای زنده را بپرستد، یعنی خدای کتاب مقدس را، خصلت و رفتارش باید دگرگون شود.

پنج) عواقب خصلت بی‌خدایی هولناک است. هر آنچه که مردمان بی‌خدا می‌اندیشند، در نظر خدا عیب و کاملاً بی‌فایده می‌گردد. و هر آنچه که از دلشان بر می‌آید، صرفاً تاریکی است. "هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است" (پیدایش ۶: ۵). "از دل بر می‌آید خیالات بد و قتل‌ها و زناها و فسق‌ها و دزدیها و شهادت دروغ و کفرها" (متی ۱۵: ۱۹). امت‌ها در بطن وجود خود، تاریکی خود را ثابت کرده‌اند و توانایی انجام هر عمل عادلانه را از دست داده‌اند.

(T) یک حقیقت مهم برای من، "عواقب رفتار شرورانه است." در رومیان ۱: ۲۴-۳۲، پولس رفتار شرورانه امت‌ها و عواقب هولناک آن را تشریح می‌کند. امت‌ها ارزشی برای شناخت و معرفت خدا قائل نیستند، شناختی که یا از کارهای خدا در آفرینش ناشی می‌شود، یا از احکام اخلاقی خدا که بر دلشان نوشته شده است. به‌جای آن، نه فقط خودشان به "انجام" هر نوع شرارت ادامه می‌دهند، بلکه شرارتی را نیز که دیگران مرتکب می‌شوند، "تأیید می‌کنند." عواقب رفتار شرورانه هولناک است. خدا مردمان شرور را به شرارت خودشان تسلیم می‌کند. ایشان دقیقاً همان چیزی را درو می‌کنند که کاشته‌اند (غلاطیان ۶: ۷). هوس‌های گناه‌آلود نظیر صور قبیحه را تشویق می‌کنند و هر نوع عمل غیر اخلاقی جنسی را مرتکب می‌شوند. بنابراین، خدا ایشان را به زندگی‌ای مبتنی بر صور قبیحه شرم‌آور و فساد جنسی تباہ‌کننده "تسلیم می‌کند." خدا آنان را به هوس‌هاش شرم‌آور و

مهاری نشدنی و ذهنی تباها شده تسلیم می‌کند. خدا مردمانی را که شرارت را ابداع می‌کنند یا به انجام می‌رسانند یا مورد تشویق قرار می‌دهند، به زندگی ای مبتنی بر شرارتی دائمی "رها می‌سازد". ایشان بیشتر و بیشتر در تباها و جنایات، و خصوصاً فساد جنسی غرق می‌شوند. شاهد چنین فساد اخلاقی، انحرافات جنسی گسترده، و همجنس‌گرایی چشمگیر، و بیماریهای جنسی ناشی از آنها هم در میان مردها و هم در میان زنها می‌باشد. امت‌ها با انجام هر نوع شرارت در این جهان، ثابت می‌کنند که کاملاً ناعادل می‌باشند. امت‌ها "در رفتار بیرونی خود"، تباها هواناک خود را اثبات کرده، و قابلیت انجام هر کار عادلانه‌ای را از دست داده‌اند.

(S) قدم سوم . سؤال کنید.

بیباید تمام حقایق موجود در رومیان ۱: ۱۸-۳۲ را درک کنیم و سوالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سوالات بحث کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. سوال اول. (۱: ۱۸) "چرا خدا از انسان غضبناک است؟"

(T) خدا نه فقط "مهربان" است، بلکه خدایی "مقدس و عادل" نیز می‌باشد.

یک) "غضب خدا تجلی طبیعت مقدس و عادل او است." عدالت مجازات‌کننده خدا صفتی اساسی از طبیعت الهی او است. لازمه عدالت مقدس خدا، مجازات شدن گناه است. عدالت مقدس خدا در ضمن، بنیاد نیاز انسان به کفاره نیابتی است تا گناهانش بخشیده شود. این اصل، بنیاد توضیحی است که پولس در مورد آموزه عدالت می‌دهد. "غضب خدا" همانا خشم عادلانه و مقدس خدا بر علیه گناه بشر است. قصد عادلانه خداست برای مجازات کردن گناه بشر. غضب خدا "از آسمان" مکشوف می‌شود، زیرا خدا در آنجا ساکن است. غضب خدا به راههای مختلف، با مجازات عملی گناه، "آشکار" یا ظاهر می‌شود. برای مثال، خدا گناه را با طوفان نوح، با ویران کردن شهرهای سدوم و عموره، و با بلاهای مختلف در مصر، مجازات کرد (ر.ش. حزقیال ۱۴: ۲۱).

دو) "غضب خدا تجلی مجازات عادلانه و منصفانه او است." "بی‌خدایی" یعنی نگاه نداشتن دین خدا، و "ناراستی" (یا شرارت) یعنی بی‌عدالتی در حق مردم. غضب خدا شامل حال مردمانی می‌شود که راستی (یا حقیقت) را سرکوب می‌کنند (باز می‌دارند) و آن را عوض می‌کنند (تبدیل می‌کنند). "راستی" یعنی هر آنچه که در نظر خدا راست و مقدس و درست است. راستی به‌طور خاص آن حقیقت مذهبی و اخلاقی است که خدا در کتاب مقدس مکشوف ساخته (یوحنا ۳: ۲۱؛ ۸: ۳۲). راستی خدا در کتاب مقدس، یگانه دین راستین در دنیا و یگانه اخلاقیات راستین در دنیا را مکشوف می‌سازد. انسان با شرارت خود، راستی الهی را سرکوب می‌کند یا "باز می‌دارد" یعنی بر سر راه آن مانع ایجاد می‌کند. انسان چگونه راستی را "سرکوب می‌کند" (باز می‌دارد)؟ انسان گرچه دانش یا آگاهی کافی دارد که خدا مقدس و عادل و قادر است، اما نسبت به او و احکام او احترام قائل نیست؛ این احکام در واقع، روابط انسان را با خدا و با سایرین تنظیم می‌کند. انسان حقیقت و راستی را می‌داند، اما آن را از وجدان و زندگی عملی خود کنار می‌زند. از اینرو، خدا انسان را مجازات می‌کند، چرا که برای او و احکامش احترام قائل نیست.

انسان چگونه راستی را "تبدیل می‌کند"؟ انسان نه فقط حقیقت خدا را از زندگی خود کنار می‌زند، بلکه آن را با انواع دروغهای بشری جایگزین می‌سازد. او خدا را با ابداعات بشری در مورد خدا جایگزین می‌سازد. او خدای کتاب مقدس را با تصورات خود در مورد خدا جایگزین می‌سازد. او تعالیم راستین کتاب مقدس را با انواع تعالیم انسانی و منحرف جایگزین می‌سازد. خدا قطعاً تمام کسانی را که به انواع ادیان دروغین ایمان دارند، و به انواع ادیان دروغین عمل می‌کنند، مجازات خواهد کرد. ادیان غیر مسیحی درست نیستند، زیرا دین راستین مسیحی را سرکوب می‌کنند. سوال دوم. (۱: ۱۹-۲۰) "خدا چگونه خود را به امت‌ها مکشوف می‌سازد؟"

(S) یک) "همه انسانها «مکاشفه‌ای عام» از خدا دریافت داشته‌اند." خدای کتاب مقدس هیچگاه خود را در این دنیا، در میان مخلوقات ذی‌شعور، بدون شهادت نگذاشته است. او در مورد خودش و انتظاراتش از مخلوقات خود، نوری کافی از طریق کارهای خود در آفرینش (۱: ۱۹-۲۰) و از طریق احکام اخلاقی که بر دل انسانها نوشته شده، قرار داده است (۲: ۱۵). خدا همه انسانها را با این قابلیت آفرید که بتوانند شناختی در مورد او داشته باشند. پولس نمی‌گوید که تمام آنچه که می‌توان از خدا شناخت، بر امت‌ها مکشوف شده بود. فقط می‌گوید که امت‌ها "دانشی کافی از خدا داشتند که سبب می‌شده که هیچ عذری برای بی‌دینی و شرارتشان نداشته باشند." این دانش فقط در این مورد نیست که خدایی وجود دارد، بلکه دانش و شناختی است در مورد طبیعت و صفات خدا، مانند قدرت ابدی او، و الوهیت و عدالت او. مطابق سایر بخشهای کتاب مقدس، امت‌ها از صفات نادیده خدا شناخت دارند، نظیر نیکی و حکمت و قدرت و کبریایی او که در کارهایش تجلی یافته است. این شناخت و دانش در مورد خدا، "برای" آنان روشن شده، یا به عبارت بهتر، "در" آنان روشن شده است. این مکاشفه‌ای است "در ذهن و دل آنان". از آنجا که انسان به صورت و شباهت خدا آفریده شده، لذا از وجود خدا و خصوصیات کامل او دارای شناخت است. این امر انسان را قادر می‌سازد تا تجلیات الهی را در کار آفرینش مشاهده کند. خدا هیچگاه خود را بدون شاهد نگذاشته است. وجود خدا و خصوصیات کامل او همواره آنچنان روشن بوده که مخلوقات عقلایی او بتوانند او را بشناسند و او را همچون یگانه خدای واقعی بپرستند. به همین جهت است که مخلوقات عقلایی خدا، "موجوداتی روحانی و اخلاقی" هستند. انسان در مقام موجودی عقلایی و اخلاقی، هیچ عذری برای بی‌دینی و ناراستی خود ندارد. اما این دانش و شناخت خدا "سرکوب و تبدیل شد" (آیات ۱۸ و ۲۵). گرچه همه انسانها قابلیت شناخت وجود خدا و خصلت او را دارند، اما "او را نه جلال می‌دهند و نه سپاس می‌گذارند." برای این امر هیچ عذری وجود ندارد، زیرا "انسان مطابق

شناختی که از راستی دارد، عمل نمی‌کند. " به جای آن، عمداً و از روی شرارت، با راستی مخالفت می‌کند. * بت پرستی انسان ناشی از "ناآگاهی" او نیست، بلکه ثمره "بی‌دینی فاسد و عمدی" او است. او می‌داند چه چیزی در نظر خدا درست است (۳۲)، اما با اینحال، آنچه را که در نظر او نادرست است، انجام می‌دهد. او خدای زنده را به عنوان خدای خود نمی‌پرستد و خدای زنده را به عنوان سرچشمه زندگی و مواهب خود تصدیق نمی‌کند.

به همین شکل، فساد جنسی بشر نتیجه ناآگاهی او نیست، بلکه ثمره بی‌دینی و شرارت عمدی او است. او می‌داند چه کاری در حق دیگران درست است (۳۲)، اما با اینحال، آنچه را که در حق ایشان نادرست است، انجام می‌دهد. انسانها هر نوع شرارتی را در حق یکدیگر انجام می‌دهند (۲۹-۳۱). حتی فاسدترین گناهکار نیز در درون خود می‌داند که مرتکب سرکوب کردن راستی یا تبدیل راستی به دروغ می‌شود. او می‌داند که به انصاف تحت غضب خدا قرار دارد. رومیان ۱: ۳۲ می‌فرماید که گرچه مردم حکم عادلانه خدا را "می‌دانند" که به موجب آن، آنانی که چنین کارهایی می‌کنند سزاوار مرگ هستند، نه فقط به انجام این کارها ادامه می‌دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می‌شوند تأیید می‌کنند. وجدان انسان را هرگز نمی‌توان به‌طور کامل خاموش کرد.

(دو) "همه انسانها به «مکاشفه خاص» خدا نیاز دارند." گرچه آنچه که خدا در خلقت خود مکشوف ساخته کافی است که انسان در زمینه "داوری" خدا عذر و بهانه‌ای نداشته باشد، اما این بدان معنا نیست که این مکاشفه عام برای هدایت او به سوی "نجات" کافی باشد. انسان برای نجات یافتن، به چیزی بیش از مکاشفه عام خدا نیاز دارد. او به مکاشفه خاص خدا نیازمند است. احساسات مذهبی طبیعی انسان و حکمت مذهبی او هرگز قادر به نجات او نیست. تجربه مردم تمام جهان، تحت شرایط گوناگونی که وجود داشته‌اند، ثابت می‌کند که آن نوع شناخت خدا که ناشی می‌شود از کارهای او در خلقت و از احکام اخلاقی خدا که بر دل ایشان حک شده، نمی‌تواند ایشان را به ایمان آوردن به عیسی مسیح سوق دهد. شناختی که امت‌ها از خدا دارند و از کارهای خدا ناشی می‌شود، ایشان را به سوی خدای کتاب مقدس سوق نمی‌دهد، چه این شناخت در دلشان باشد و چه ناشی باشد از سنت‌های مبهم آنان. همچنین ایشان را به سوی عدالت و تقدسی که منظور نظر خدا است، سوق نمی‌دهد. مردم این جهان برای نجات یافتن، نیاز به مکاشفه خاص خدا دارند (۲۱-۲۳). این مکاشفه خاص در انجیل اعطا شده است. انجیل مکاشفه خاص خدا است.

سؤال سوم. (۱: ۲۱-۲۷) "چرا خدا انسان را به هوس‌های گناه‌آلودش و به روش زندگی تبااهش تسلیم می‌سازد؟"

(T) (یک) "خدا میان مذهب و اخلاقیات ارتباطی قطعی برقرار ساخته است." "بی‌دینی منجر به شرارت و ناراستی می‌گردد. اشتباه مذهبی منجر به تباهی و فساد اخلاقی می‌گردد." کسانی که نمی‌خواهند آنچه را که خدای زنده در مورد خودش مکشوف ساخته تصدیق کنند، در شناخت خود از خدای زنده بیش از پیش فاسد و گمراه می‌شوند. انسان هر چقدر با خدای زنده کمتر ارتباط برقرار کند، در رفتار خود غیر اخلاقی‌تر و تباه‌تر خواهد شد. برای مثال، وقتی شخص خدا را سپاس نگوید و او را جلال ندهد، در تفکر خود دچار حماقت می‌شود. وقتی شخص به خدایی دروغین یا به تعالیم مذهبی نادرست معتقد می‌شود، شروع می‌کند به زندگی کردن در فساد جنسی. نقطه مقابل این نیز درست است. وقتی کسی در فساد جنسی زندگی می‌کند، می‌توان حدس زد که به آموزه‌های مذهبی نادرستی پایبند است. خدا میان بی‌دینی و فساد جنسی ارتباطی ناگسستگی برقرار ساخته است. خوشبختانه عکس موضوع نیز صادق است. وقتی شخص با خدای زنده راه می‌رود، از اخلاقیاتی راستین و عادلانه برخوردار می‌شود.

(دو) "خدا اغلب گناه را با تسلیم کردن گناهکار به گناهانی بیشتر مجازات می‌کند." رهاسازی قضایی انسان به گناه از سوی خدا، با قدوسیت خدا و با رفتار اخلاقی انسان سازگار است. خدا انسان را مجبور یا وسوسه نمی‌کند که مرتکب شرارت شود، اما او را در شرارت خودش رها می‌سازد. وقتی می‌گوییم خدا مردمان را به فساد جنسی تباه‌کننده و اعمال غیر اخلاقی شرم‌آور با یکدیگر تسلیم می‌کند (۲۴، ۲۶)، در واقع منظورمان این است که از ایجاد مانع بر سر کارهای شریرانه ایشان دست می‌کشد. وقتی می‌گوییم خدا مردم را به عقل تباه خود رها می‌سازد، عقلی که فقط می‌تواند انواع شرارت‌ها را ابداع کند (۲۸-۳۱)، منظورمان این است که ایشان را در گناهانشان رها می‌سازد. خدا اجازه می‌دهد چیز را درو کنند که کاشته‌اند (غلاطیان ۶: ۷).

(سه) "خدا در حق مردمان بی‌دین و شرور در این دنیا، شکیبایی فراوان نشان می‌دهد." خدا پیش از آنکه کسی را به هوس‌های گناه‌آلود و روش فاسد زندگی‌اش تسلیم کند، شکیبایی فراوانی در حق او نشان می‌دهد. برای مثال، پیش از آنکه قانن برادر خود را به قتل برساند، خدا با او با مهربانی رفتار کرد. خدا او را فرا خواند تا به راستی عمل کند. اگر چنین می‌کرد، مقبول خدا واقع می‌شد (پیدایش ۴: ۶-۷). پیش از طوفان نوح، خدا با شکیبایی برای مدتی طولانی صبر کرد به این امید که مردم شرور جهان توبه کنند و هلاک نشوند (اول پطرس ۳: ۲۰). خدا به ایزابل که بت پرستی و فساد جنسی را در کلیسا رواج می‌داد، فرصت داد تا از فساد روحانی و جنسی خود توبه کند. اما از آنجا که او و یارانش مایل به توبه نبودند، خدا ایشان را مبتلا به مصیبتی سخت ساخت (مکاشفه ۲: ۲۰-۲۲).

(چهار) "خدا انسانها را در این جهان مجازات می‌کند تا ایشان را از داوری ابدی نجات بخشد." خدا داوری "کنونی" خود را بر مردم وارد می‌سازد تا ایشان را از محکومیت "ابدی" حفظ کند. هدف خدا از داوریهای کنونی‌اش این است که مردم را تأدیب کند، یعنی به ایشان هشدار دهد، گناهانشان را آشکار سازد، ایشان را از گناهانشان آگاه سازد، ایشان را به‌خاطر گناهانشان توبیخ کند، و آنان را به توبه فرا خواند. هدف خدا این است که آنچه را که "اکنون و در حال حاضر" برای انسان بهترین است، انجام دهد. اگر خدا با بی‌دینی و شرارت انسان مدارا می‌کرد و می‌گذاشت که ایشان بی‌ممانعت مرتکب شرارت شوند، در نهایت برده گناهان خود می‌شدند و در نتیجه خدا مجبور می‌شد ایشان را به مجازات ابدی محکوم کند. هدف خدا از داوریهای کنونی‌اش این است که انسان را بر آن دارد تا از بی‌دینی و شرارت خود دست بشوید و در تقدس و عدالت الهی شریک شود (عبرانیان ۱۲: ۴-۱۳). خدا انسان را تنبیه می‌کند تا او را شفا بخشد (اشعیا ۱۹: ۲۲). اما اگر انسان صبر خدا را

با توبه خود پاسخ ندهد، آنگاه خدا در غضب عادلانه خود، او را به جدایی ابدی از حضور و محبت خود تسلیم می‌کند (دوم تسالونیکیان ۱: ۸-۹).

سؤال چهارم. (۱: ۲۶-۲۷) "نگرش کتاب مقدس در مورد همجنس‌گرایی چیست؟"

(S) خدا چیزی در باره جهت‌گیری و تمایلات و احساسات جنسی شخص نفرموده است، همان گونه که چیزی در مورد تمایل انسان به دروغ گفتن یا دزدی کردن یا نزاع کردن نگفته است. "همه انسانها" در طبیعت خود، دارای جهت‌گیری گناه‌آلود، تمایلات گناه‌آلود، و احساسات گناه‌آلود می‌باشند. همه انسانها با وسوسه مواجه می‌شوند تا تسلیم طبیعت کهنه و قدیمی خود شوند. خدا زمانی انسان را محکوم می‌کند که او به طبیعت کهنه و قدیمی خود مجال بروز بدهد و در نتیجه آن، دروغ بگوید، دزدی بکند، نزاع کند، و مرتکب هر نوع گناه جنسی ممنوع بشود. خدا آنانی را که بدن خود را نابود سازند، نابود خواهد ساخت (اول قرن‌تین ۳: ۱۶-۱۷). * اما اول قرن‌تین ۶: ۱۱ تعلیم می‌دهد که هر کس که مرتکب چنین گناہانی شده، می‌تواند نزد عیسی مسیح بیاید تا عادل شود و خود را تسلیم روح‌القدس کند تا تقدیس شود؛ اگر چنین کند، نجات خواهد یافت. خدا همجنس‌گرایی را محکوم می‌کند؛ اما کسانی که مرتکب همجنس‌بازی شده‌اند، اگر از اعمال خود دست بشویند و به‌سوی عیسی مسیح بیایند، می‌توانند نجات بیابند.

(T) قدمهای چهارم و پنجم. کاربرد و دعا

پس از تبادل نظر با یکدیگر و تهیه فهرستی از "کاربردهای امکان پذیر"، به این فکر کنید که خدا می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان پذیر را به "کاربردهای شخصی" برای خودتان تبدیل کنید. آنگاه به‌نوبت، در باره یک حقیقت که خدا از رومیان ۱: ۱۸-۳۲ به شما آموخته است، دعا کنید.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول) در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۲ آیات ۱ تا ۱۳، آماده کنید.

دوم) کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....

سوم) هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.